

# ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- **سردبیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملعی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

- **آزاده سهرابی** (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهرا کشوری** (زیست‌بوم) • **سعید زاهدیان** (ورزشی)
- **مهدی کلهرزاد** (اجرای)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی‌پور** (ویراستاری) • **ابوالفضل نسایی** (عکس)

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۳ • **روابط عمومی:** **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲۰ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

کجاست یوسف مجروح  
 پیرهن چاکم  
 که بپازد دل صحرای آرزویوش  
 کسی بزرگتر از امتحان ابراهیم  
 کسی چنان که به مدیح‌نبرد چاقویش  
 نشسته است کنارش کسی که می‌گرید  
 کسی که دست گرفته به روی پهلوش  
**فاضل نظری**

**امام حسین (ع):**  
 آگاه باشید که یکی از نعمت‌های الهی پر شما حاجات و نیازهای مردم به شما است، پس از این نعمت‌ها بیزار نشوید که برمی‌گردند و به جای دیگری روند.  
 سخن‌روز  
 بحارالتواریخ، ج ۷۸، ص ۱۲۱



## فضای مجازی

تذکری برای بهره‌برداران از ایام محرم، نقدی بر محتوای وب فارسی، تعریفی توسعه‌یافته از مفهوم مقاومت، واکنشی فرهنگی به هتک حرمت قرآن کریم و شرحی بر اهمیت استفاده از دانش نظری در زندگی واقعی را در فضای مجازی امروز بخوانید.

## علماء و دلسوختگان به این ۱۰ روز چشم داشتند

صفحه مجازی منتسب به آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی نیا نوشت: «بزرگان، علما و دلسوختگان چشم می‌دوختند به این ۱۰ روز محرم؛ این ۱۰ روز، ۱۰ روز تحول است. در این دهه، دست امیر لشکر ابن‌سعد را گرفتند و آوردند بیرون [تا آنجا که] قیروش زیارتگاه شده است و الان می‌رویم سر قبر جناب حرو و می‌گوییم: «بابی انت و امی». چنین ده‌های است! ما چه کردیم در این دهه؟»

## همه دنبال چیزهای عجیب و غریبند

محمد ملاحیاسی مترجم در فضای مجازی نوشت: «غیر از استثنائاتی، «فرهنگ محتوا» وب فارسی را در خودش غرق کرده است. همه دنبال این هستند که چیزهای عجیب و غریبی پیدا کنند که سریع و راحت فهم شود و چه بهتر که خشم و جنجال هم بیافریند و این طوری مخاطبان‌شان را «آگاه» کنند تا درباره همه چیز با خیال راحت بپایند.»

## مقاومت، جذب بدون اعراض از اصول

محمدصادق شهبازی فعال فرهنگی درباره گستره تعریف جریان مقاومت نوشت: «هنوز که هنوز است جولیا پطروس مسئول‌ترین سلبریتی خاورمیانه است. نه عضو حزب‌الله بود نه شیعه بود نه مسلمان بود و نه حتی پوشش مسلمانان یا راهبه‌های مسیحی را داشت اما شرف داشت؛ وقتی حقانیت مقاومت و درگیری‌اش با اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه را دید به میدان آمد. مقاومت هم برای جذب او از دین و اهدافش تشرافید حتی سران مقاومت اعلام کردند به‌خاطر جهاد شرعی کار نراندند؛ اما مقاومت را جویری فطری معرفی کردند که آدم‌های مسئولیت‌پذیر مثل پطروس حمایت کردند. حالا در برابرش ما کسانی داریم که می‌گویند لیبرال باشید یا از دین بتراشید تا دیگران جذب شوند یا لایک و فالوور بگیریم. این‌طوری جذب دین نمی‌کنند خودشان به رنگ باطل درمی‌آیند. از این ایده‌ها متأسفانه زیاد داریم.»

## جدال با نور ممکن نیست

زهرا چخماقی، خبرنگار صداوسیما ضمن انتشار تصویری از کشورهای محکوم‌کننده اهانت به قرآن کریم در توئیترش نوشت: «اسامی کشورهای اسلامی محکوم‌کننده هتک حرمت قرآن کریم... امروز هم واکنش هنرمندان کاریکاتوریست به این اقدام در حوزه هنری به نمایش گذاشته خواهد شد... جدال با نور ممکن نیست...»

## دانش نظری باید در زندگی جاری شود

عطاءالله مهاجرانی در توئیتری نوشت: «در حسینیه شیعیان خوجه در استنمور، همه چیز سنجیده و دقیق است! شیعیان خوجه در نظم و سازماندهی ممتازند. سخنران در تالار اصلی به اردو سخن می‌گفت. سید علی مرتضی رضوی از کراچی آمده است. مسلط و ادیب! «دانش نظری باید تبدیل به گنجینه در قلب ما شود. این گنجینه باید در قرآوری به دانایی تبدیل شود. دانایی اگر با ایمان آمیخته شود، اقتباس نور کند، در زندگی ما جریان می‌یابد. پرزبان ما جاری می‌شود. اگر در مرحله دانش نظری بمانیم، زرق و برق است و اگر به جریان دانایی نورانی و زبانی رسیدیم، شکوهمند است...» از واژه Glamour به معنی زرق و برق و Glory به معنی شکوه استفاده کرد، عالی! به تجربه دیده ام. سخنرانانی که پرزبان و ادبیات مسلطند، مفاهیم را درخشان‌تر بیان می‌کنند. در پایان سخن لطافت‌ها و ظرافت‌های زبانی در ذهن شما باقی می‌ماند و بهترین حامل اندیشه و مضمون می‌شود. مثل دو واژه ای که گفتم! نقص بزرگ اکثریت قریب به اتفاق سخنرانان محافل ایرانی همین است.»

## نقل قول



## شما صاحب مجلس را ببینید نه برگزارکننده را!

ما یک زمانی خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر مجتهدی که از عرفا بودند رسیدیم. خدمت ایشان عرض کردیم آقا جان ما در مجالسی که برای خواندن می‌رویم پیش می‌آید در یک مجلس پانکی بیشتر از مجلس دیگر به ما می‌دهند و خب من احساس می‌کنم که اشکالی وجود دارد که در درون خودم به آن مجلس اهمیت بیشتری می‌دهم. از شما می‌خواهم که من را از این ورطه نجات دهید ایشان فرمودند که شما اینها را اصلاً نبینید شما صاحب کار را ببینید و کاری به این چیزها نداشته باشید. آنها نوکرشان را رها نمی‌کنند هم در دنیا و هم در آخرت. من خواهشی برادرانه دارم خدمت رفقای مداح که خودتان را از ارزان نفروشید. دعیل که خدمت اهل بیت (ع) می‌خواند توفیقی از ایشان نداشت ما باید به این مرحله برسیم. ما بسیاری از بزرگان را دیده‌ایم که تنها در حد ضرورت زندگی خود از این مبالغ استفاده کرده و مابقی را در راه خیر صرف می‌کردند. نسل جدید مداحان مراقب باشند خیلی درگیر مادیات نشوند البته برگزارکنندگان مجالس هم باید به این نکته توجه داشته باشند که مداحان هم مخارجی در سنین مختلف و در موقعیت‌های مختلف زندگی دارند که باید تأمین شوند.

بخشی از گفت‌وگوی مه‌با علی‌رضا زنگی پیرغلام اهل بیت (ع)

## پیشنهاد

## آیین محرم درموزه‌ها



آیین‌ها نمونه برجسته میراث‌های ناملموس محسوب می‌شوند و امروزه وقتی صحبت از میراث فرهنگی می‌شود دیگر فقط معطوف به میراث‌های مادی نیستیم بلکه همه انواع میراث‌ها مانند سنت‌ها و آیین‌ها را هم مد نظر قرار داریم. ملت‌هایی که دارای قدمت و تنوع فرهنگی بیشتری هستند و از این رو میراث‌های فرهنگی بیشتری دارند در کنار میراث‌های مادی با میراث‌های غیرمادی نیز بیشتر رودررو هستند و در واقع این موضوع برای آنها یک موضوع فرهنگی اجتماعی جدی است. این گونه است که برای ملت‌های مسلمان و بویژه شیعیان در ایام مذهبی که آیین‌ها و مناسکی چون سوگواری‌ها و تعزیه‌های محرم نمود پیدا می‌کند این بخش به مثابه میراث فرهنگی به یک موضوع در مدیریت این حوزه مطرح می‌شود که پرسش‌هایی را در هر کدام از قالب‌های مرتبط می‌تواند در معرض توجه قرار دهد. یکی از پرسش‌هایی که می‌توان مطرح کرد این است که آیین‌ها و مناسک محرم در موزه‌ها چه جایگاه و نمودی داشته‌اند؟ از دو دهه پیش‌تر با طرح شعار موزه‌ها و میراث غیرملموس (میراث معنوی) این موضوع مطرح شد که موزه‌ها باید از میراث‌های مادی یا ارفراند بگذرانند و به میراث‌های زنده و رفتاری و اعتقادی بشر نیز توجه کنند و راهکارهایی برای حضور آنها در موزه بیابند، چرا که اگر فرهنگ یا میراث فرهنگی یکی از موضوعات کلیدی موزه‌ها است آنها نباید نگاه خود را محدود به بخشی از این موضوع نمایند و از سوی دیگر فرهنگ را نمی‌توان ناقص و نیمه روایت کرد. در نظر داشته باشیم هدف تنها نموده‌های فرهنگی نیست بلکه تلاش بر آن است که از پنجره این نمودها و نشانه‌ها به خود فرهنگ و باورهای بشری دست یافت. عدم حضور میراث‌های غیرملموس مانند آیین‌ها در موزه‌ها همین روایت ناقص است و روایت به هم پیوسته میراث‌های مادی در کنار میراث‌های غیرمادی یا به عبارتی آثار تاریخی برجای مانده در میان بافت فرهنگی که آنها را در برگرفته است سبب می‌شود تصویر دقیق‌تر و کامل‌تری از فرهنگ در موزه‌ها ظهور نماید و ادراک بهتری شکل بگیرد.

تصادی وجود دارد.

آنچه در موزه‌ها مشاهده می‌کنیم قطعاتی است که نام اشیای تاریخی، نموده‌های مردم‌شناختی یا اثر هنری به خود گرفته‌اند و از این‌رو در ساحت فیزیکی و توصیف که معطوف به چیستی آنها، ساخت و شکل آنهاست روایت می‌شوند در حالی که این آثار در دل آیین یک ابزار هستند که در کنار رفتارها، میراث‌های شفاهی و روایی همچون اشعار و موسیقی قرار می‌گیرند و یک ادراک حسی ایجاد می‌کنند که حاصل تجربه‌های پیشینی، قومی و اعتقادات مرتب است و حتی خود باورمندان به عناصری از کل آیین تبدیل می‌شوند که رفتار، حرکات و پوشش آنها همگی آیین را می‌سازند و حتی احساس حاصل از آیین را پدید می‌آورند و یا بستر ایجاد این احساس می‌شوند.

موزه‌ها به گردآوری محدود برخی ابزار آیین‌ها بسنده کرده‌اند اما نتوانسته‌اند به شیوه‌های کامل‌تری از مستندنگاری این جلوه‌های زنده فرهنگی دست یابند و به طور پیوسته این موضوع و آیین‌های دیگر را محور فعالیت‌های خود قرار دهند. این موضوعی است که موزه‌های فرهنگی همچون موزه‌های مردم‌شناختی باید به آن به طور جدی توجه کنند و از راهکارهای معطوف به اشیاء گذر کنند و به روش‌های ثبت، نمایش و روایت خود فرهنگ دست یابند و برای رسیدن به چنین روش‌های اختصاصی باید از شناخت ارکان خود موضوع یعنی آیین شروع کرد و به شناخت ساختاری، کارکردی و عناصر سازنده هر آیین و تناسبات فرهنگی آن دست یافت و بعد آن را در قالب موزه‌های جای داد. موزه‌ها چون آیین‌ها را موضوع کاری خود اعم از پژوهش، مستندنگاری، صیانت و معرفی قرار نده‌اند از این‌رو با فاصله جدی از آیین‌ها قرار دارند و تنها به بخشی از میراث مادی آیین‌هایی چون محرم بسنده کرده‌اند و نتوانسته‌اند به این فرهنگ‌ها نزدیک شوند و روایتی متناسب را تجربه کنند.

## عکس نوشت



## نکته



## قصه کینه‌های تاریخی

در تاریخ آمده، آنگاه که امام حسین علیه السلام تمام یاران خود را از دست داد و برای جنگ آهنگ دشمن کرد، برای آخرین بار به منظور اتمام حجت خطاب به آنان فرمود: «وای بر شما! چرا با من می‌جنگید؟ آیا سنتی را تغییر داده‌ام؟ یا شریعتی را دگرگون ساخته‌ام؟ یا جریمی مرتکب شده‌ام؟ و یا حقی را ترک کرده‌ام؟» اما دشمن لجوج و کینه‌ای با کمال وقاحت خطاب به سرور جوانان اهل بهشت گفت: «بلکه به خاطر کینه‌ای که از پدرت به دل داریم، با تو می‌جنگیم و تو را می‌کشیم.» همین جملات است که بسیاری را به این تحلیل می‌رساند که نزاع از روز غدیر آغاز شده بود و مشکل عرب با سروری و ولایت برادر پیامبر علی (ع) بوده که در مقطعی مثل جمل، صفین و عاشورا، چون آتش زیر خاکستر زبانه کشید و اختلاف را نمایان کرد.

سلمان کدیور، در زمان تحسین شده «پس از بیست سال» سراغ همین ماجرا در تاریخ رفته و از عاشورا نقبی به دل تاریخ زده و داستانش را با اینکه آغاز و پایانش در کربلاست، از سال‌های خلافت امیرالمؤمنین و سرزمین شام و اتفاقات



در تواریخ ذکر شده که برخی از اهل شام پشت امیرالمؤمنین نماز خواندند، بعد از نماز گفتند حس و حال این نماز ما را یاد نماز رسول‌الله انداخت. این نشان می‌دهد که تواریخ ذکر شده که برخی از اهل شام پشت امیرالمؤمنین نماز خواندند، بعد از نماز گفتند حس و حال این نماز ما را یاد نماز رسول‌الله انداخت. این نشان می‌دهد که بنی‌امیه حتی در نماز هم کاری کرده بودند که روح نماز از آن دور شده بود.

اینچنینی آغاز کرده است. او در داستانش که حول محور عدالت است، سراغ ریشه‌ها رفته و از ریشه‌ها نوشته تا نشان دهد ریشه عاشورا در عدل علی بوده است. اینکه دو برادر یکی در لشکرپران یزید و دیگری در میان پاران سیدالشهدا هستند، به دلیل همین ریشه‌های تاریخی است. کدیور در این کتاب نشان می‌دهد نظم بنی‌امیه و انحراف‌هایی که در تاریخ ایجاد کردند و مردم را با دینی ساختگی مواجه کردند و نام اسلام بر آن گذاشتند، زمینه‌ساز قیام عاشورا شد؛ دینی تحریف شده که بویی از اسلام نبرده بود. در تواریخ ذکر شده که برخی از اهل شام پشت امیرالمؤمنین نماز خواندند، بعد از نماز گفتند حس و حال این نماز ما را یاد نماز رسول‌الله انداخت. این نشان می‌دهد که بنی‌امیه حتی در نماز خواندن هم کاری کرده بودند که روح نماز از آن دور شده بود.

«پس از بیست سال» نشان می‌دهد چگونه بعد از بیست سال از حکومت علی و شیوه حکمرانی او، کار به عاشورا و صف‌بندی مسلمان در برابر هم رسید. اینکه مردم مرز حکومت علی را چشیدند ولی زور تبلیغات بنی‌امیه به قدری بود که جرأت پشتیبانی از او نداشتند. کدیور در رمانش به بخش‌های مهمی از تاریخ سرزده، به ماجرای قتل خلیفه سوم و بعد بلوای خونخواهی او توسط بنی‌امیه که قاتلانش بودند، به ماجرای صفین و اتفاقاتی که در آن جنگ افتاد. کدیور نشان داده که عدل‌علی‌کار کرده که بسیاری تاب آن را نداشتند و چون مرز دنیا را چشیده بودند، علم مخالفت برداشتند و مقابل او و پسرانش ایستادند. شاید مرور ماجرای نجاشی شاعر و شرب خمر او در ماه رمضان و جرای شدن حد بر او که از هواداران امیرالمؤمنین بود، روشن کند که آنچه عاشورا را ساخت همان عبارت «بغضاً لایبک» باشد، خون حسین هم به خاطر عدل‌علی ریخته شد زیرا می‌دانستند او مرام و روشی جز مرام و روش پدرش دنبال نمی‌کند.